

تاریخ: ۵۸/۴/۱۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسدار باید خودش دارای عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند. همانطوری که انقلاب اسلامی ما وجهه‌های مختلف دارد: انقلاب برای برانداختن رژیم فاسد، انقلاب برای پیادداشتن رژیم حق، و امید است که انقلاب برای ساختن انسان و یک مملکت انسانی، پاسداران هم باید پاسداریشان به طرز و شکل انقلاب باشد. تا آنوقت که انقلاب برای شکستن سد رژیم بود، پاسداران، پاسداران آن انقلاب بودند، یعنی آن جهت انقلاب، باید قیام کنند و کردند و فریاد زدند و مقابله کردند با همه جنود ابلیسی و بحمدالله از این جهت در انقلاب پیروز شدید. لکن انقلاب یک جهتش پیروز، آن هم نه تمام پیروز، بیشتر این سدا از بین رفته است و ریشه‌های مختصری مانده است که امید است از بین برود. انقلاب برای تحقق حکومت عدل و جمهوری اسلامی که قدم بعد است، پاسدارها هم باید از این معنا پاسداری کنند و همه باید پاسداری بکنند. همه پاسدار اسلام و حکومت حق باید باشید. در اینجا پاسداری این است، که این حکومت، حکومت عدل باشد، پاسداری از عدالت باشد. پاسداری از عدالت این است که پاسدار خودش دارای عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند. اگر خدای نخواستہ یک گروهی در جامعه ما دارای عدالت نیستند و همانطوری که دستگاه سابق، دستگاه تعدی و ظلم و تجاوز به مردم بود، این گروه یا این پاسدار یا این جمعیت هر کس باشد، این هم تا آن اندازه که دستش می‌رسد همان کارهای رژیم سابق را می‌کند، این پاسدار نمی‌تواند باشد. اگر فرض کنید که ماها که مدعی هستیم پاسدار اسلام هستیم و در این انقلاب، این جهت انقلاب که برقراری حکومت عدل اسلامی است اگر بنا باشند ما مدعی پاسداری هستیم از انقلاب (لکن از آنجائی که خراب کردن و زدن و کشتن، کشته شدن بود؛ درست آمدیم و به انقلابمان وفادار بودیم) اما در این مرحله که مرحله سازندگی یک حکومت عدل اسلامی است، خدای نخواستہ پاسداریمان از یک همچو حکومت عدل اسلامی به طور ضحیح نباشد، یعنی خودمان در این مرحله انقلابی نباشیم، در این مرحله خودمان را نساخته باشیم که موصوف به عدالت باشیم، که پاسدار عدالت باشیم، پاسدار حکومت عادلانه چنانچه اگر حکومت ما هم یک حکومت عدل نبود نمی‌توانیم بگوئیم که این جهت انقلاب ما تحقق پیدا کرده است، که جهت حکومت عدل اسلامی بود. اگر در ادارات ما، در بازارها، در سایر جاهای دیگری که این افراد ایرانی نشین دارند و مشغول به کارهای خودشان

هستند، اگر اینها هم آن عدل اسلامی که باید باشد مراعات نکنند، باز افراد انقلابی - اسلامی نیستند. پاسدار، چه شماها که با اسم پاسداری مشغول خدمت هستید و چه سایر قشرها (یکی هم قشر روحانیت است، آنها هم پاسدار هستند ولو لفظ پاسدار بر آنها اطلاق نمی شود، لکن به حسب واقع پاسدار اسلام هستند) اگر این جمعیت آنطوری که باید این وجهه از انقلاب را که انقلاب، آمدن یک رژیم عادل جای یک رژیم فاسد، اگر در این مرحله که آمدن یک رژیم، نشستن به جای یک رژیم فاسد، مراعات نکند آن جهت انقلابی را، مراعات نکند آن عدالت اسلامی را، که عدالت اسلامی از خود انسان شروع می شود تا هدایت در خود انسان، عدالت با رفیق، عدالت با همسایه، عدالت با هم محله، عدالت با هم شهری، عدالت با هم استانی، عدالت با هم کشوری، عدالت با همسایه های کشورهای که با ما هستند و با همه بشر، اگر حاصل نشود، نه حکومت اسلامی است و نه پاسدار اسلامی. به مجرد اینکه من ادعا کنم که پاسدار اسلام هستم، از باب اینکه یک نفر طلبه هستم و طلبه شغلش پاسداری است، مجرد این تا یک نمونه ای نداشته باشد، نشانه و علامتی نداشته باشد، این ادعاست، ولو بتوانیم این ادعای ما را به مردم جا بزنیم، پیش خدا واضح است که درست نیست. کوشش کنید که در این مرحله دوم که ما الان هستیم و بعد هم مرحله های دیگر هست، پاسدار باشید. شماها که الان پاسداری کردید تا حالا (و خداوند همه تان را تأیید کند) کوشش کنید در این مرحله دوم که مرحله حکومت عدل است، رژیم عادلانه است، رژیم اسلامی است، جمهوری اسلامی است، در این مرحله به وظائف پاسداری در این مرحله قیام کنید.

اعمال شما تحت مراقبت و مناقشه دشمنان است

پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید، از حکومت عدل پاسداری کنید. اگر خدای نخواستہ فرض کنید یک نفر جوان مسیما پاسدار به دوستش، به منزل یک کسی، به خانه یک کسی، به مال یک کسی تعدی بکند، آن از پاسداری خودش همین طوری مخلوع است، لکن شماها جدیت کنید، او را هدایت کنید یا از صف خودتان کنارش بزنید، که ممکن است یک کار خلاف از یک نفر در یک جمعیت تحقق پیدا بکند و همه جمعیت به او آلوده بشود و بگویند پاسدارها اینطور هستند. یک وقت می گفتند که فلان آدم اینطوری است، یک وقت است می گویند پاسدارها اینجوری اند. کوشش کنید که مبدا یک همچو مطلبی پیدا بشود که گفته بشود که پاسدارها فلان جور هستند. خیلی کوشش لازم دارد. چنانچه ما آقایان هم باید کوشش کنیم به اینکه گفته نشود روحانیون اینجور هستند، آخوندها اینجورند. امروز همه چشم ها دوخته به این کشور است و بیشتر چشم آنها که می خواهند مناقشه کنند، می خواهند اشکال تراشی کنند، می خواهند این نهضت ما را یک نهضت صحیح ندانند، چشم ها الان به این مطلب دوخته شده است و مناقشه می کنند، می نویسند در روزنامه های خارج، زیاد می نویسند. اینجا در روزنامه ها شاید با اشاره و این چیزها باشد، اما آنها با صراحت می نویسند. باید ما بهانه به دست آنها ندهیم. آنها خلاف می نویسند لکن اگر ما یک قدم خلاف برداریم،

بها نه به دست آنها می آید و یک کار را هزار کار نمایش می دهند.

سعی کنید طوری رفتار کنید که خدا این تکلیف الهی را قبول کند
تکلیف امروز برای شما پاسدارها و ما هم که مدعی پاسداری هستیم تکلیف زیاد است، مشکل
است. ببینید از این تکلیف الهی چطور امتحان خودتان را می دهید. حالا که پاسدار هستید، حالا که
دارای اسلحه هستید، حالا که قدرتمند هستید ببینید که با این اسلحه خودتان، با این قدرت خودتان
چطور با مردم رفتار می کنید، چطور با برادرانتان که همه کشور است، همه مردم است، رفتار می کنید،
رفتار، رفتار عادلانه است و آنطور که اسلام می خواهد، تا بشوید پاسدار انقلاب اسلامی، یا خدای
نخواست از بعضی اشخاص بر خلاف باشد تا بشود پاسدار جنود شیطان و از پاسداری اسلام، مخلوع
باشد و خدا او را قبول نکند. خداوند همه شما را و همه ملت ما را به وظایف خودمان آشنا کند و همه
انشاء الله خدمتگزار باشیم به این ملت و به این کشور.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته